

انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و الزامات فراروی ایران

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۵	چالش‌های پیش‌روی انتخابات افغانستان
۹	معرفی کاندیداهای اصلی ریاست‌جمهوری
۲۵	دولت‌های خارجی و انتخابات افغانستان
۳۴	انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان و منافع و الزامات ایران
۴۰	نتیجه‌گیری
۴۲	پی‌نوشت‌ها



انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان و الزامات فراروی ایران

چکیده

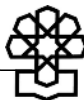
انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان روز شانزدهم فروردین‌ماه ۱۳۹۳ برگزار شد. با وجود تهدیدات امنیتی طالبان حضور گسترده مردم نمود خواست آنها برای بازگشت به زندگی و تغییر شرایط موجود است. این امر می‌تواند فرصتی تاریخی پیش‌روی زمامداران افغان قرار دهد تا با پیگیری سیاست‌های اعلامی خود محبوبیت نیروهای طالبان را به تدریج کاهش دهند. اشرف غنی، عبدالله عبدالله و زلمی رسول سه بخت اصلی برای راهیابی به ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان هستند. در نوشتار حاضر ضمن معرفی این افراد، سیاست‌های اعلامی آنان در حوزه‌های داخلی، خارجی و نگاهشان نسبت به قرارداد امنیتی با آمریکا از نظر خواهد گذشت. آمریکا، ایران، پاکستان و عربستان به‌عنوان بازیگران خارجی صاحب‌نفوذ و دارای منافع مورد توجه این گزارش قرار گرفته‌اند. در انتها با توجه به سیاست ایران در قبال افغانستان در سال‌های اخیر، روند مناسب برای پیگیری سیاست‌های منتج به منافع ملی ایران، در سال‌های آتی پیشنهاد خواهد شد.

مقدمه

تحولات اخیر افغانستان به‌ویژه انتخابات ریاست جمهوری اخیر این کشور مطمح‌نظر بسیاری از تحلیلگران واقع شده است. شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان، اوضاع امنیتی و قرارداد امنیتی با آمریکا، حیطة نفوذ کشورهای همسایه در این کشور از مؤلفه‌های تأثیرگذار در تحلیل شرایط حاکم بر این انتخابات هستند. انتخابات در افغانستان در شرایطی برگزار می‌شود که حامد کرزای پس از یازده سال، ریاست‌جمهوری را ترک خواهد گفت. افغانستان پس از سیزده سال حضور نظامی نیروهای خارجی در مقابل آزمون بزرگی قرار گرفته است. تا از یک‌سو، توان مدیریت اوضاع و مدارای گروه‌های حاکم را بسنجد و از سوی دیگر، کشورهای کمک‌کننده به روند بازسازی افغانستان را که به‌دقت روند برگزاری این انتخابات را رصد می‌کنند، به ادامه کمک‌رسانی مجاب سازد.

علیرغم گذشت بیش از سیزده سال از حضور نظامی آمریکا و ناتو در این کشور، ناامنی کنترل نشده است. طبق برآورد سازمان ملل خشونت‌ها در افغانستان در یازده ماه نخست سال ۲۰۱۳ باعث کشته شدن بیش از ۲۸۰۰ غیرنظامی شده است. این رقم نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۲ حدود ۱۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد.^(۱)

تبلیغات رسمی انتخابات در افغانستان یک روز پس از ترور دو عضو رسمی ستاد انتخاباتی «عبدالله عبدالله» آغاز شد. این خود گواهی روشن بر مشکلات امنیتی موجود در آستانه تغییر دولت در این کشور است. در کنار موضوعات و مؤلفه‌هایی



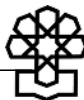
که به‌عنوان چالش پیش‌روی انتخابات افغانستان برشمارده خواهد شد؛ بحث بر سر تهدیدات امنیتی طالبان، توافقنامه امنیتی،^(۲) فساد اداری و سیاسی، شرایط اقتصادی مردم و بالا بردن کیفیت زندگی در افغانستان بخش عمده‌ای از برنامه‌های انتخاباتی کاندیداها را به‌خود اختصاص داده است.

بزرگ‌ترین نگرانی مردم در افغانستان جدای از بحث معیشت، **بحران امنیتی و هراس از آغاز دوباره جنگ داخلی** است. خروج نیروهای خارجی می‌تواند فرصت و یا چالشی بزرگ پیش‌روی رئیس‌جمهور بعدی افغانستان باشد و این درحالی است که توافقنامه امنیتی بر آن است که حضور ۱۰ هزار نیروی آمریکایی را تا سال ۲۰۱۴ تضمین کند.

انتخابات اگر به‌عنوان یکی از نمودهای حکومت قانون و دموکراسی در هر کشور تعبیر شود، نیازمند بسترهای مترتب بر آن نیز هست. پیش از برگزاری این انتخابات و با عنایت به تهدیدات ملموس طالبان نسبت به رأی‌دهندگان، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود، آیا مردم و از آن مهم‌تر نظام سیاسی افغانستان به درجه‌ای از آگاهی سیاسی رسیده‌اند که انتظار سلامت در انتخابات را داشته باشیم. سلامت انتخابات نه به معنای تأیید صحت روند همه‌پرسی، بلکه به معنای انتخاب آگاهانه کاندیداها از سوی مردم است و حضور گسترده مردم نشان از امید به تحول در مسیر تغییر دولت می‌باشد. امیدی که خود باعث افزایش سطح **انتظاراتی** شده است که در صورت عدم تحقق می‌تواند زمینه را برای اثربخشی تبلیغات طالبان فراهم آورد.

آن سوی تحلیل شرایط مدنظر، هنگامه‌ای است که سلامت اعلامی به اثبات نرسد و یا انتخابات به دور دوم کشیده شود؛ با توجه به تهدیدات امنیتی طالبان، بحران امنیتی موجود و زمان لازم برای برگزاری مجدد انتخابات و اعلام رأی پیروزی هر یک از کاندیدها، شرایط سختی پیش روی افغان‌ها قرار خواهد داد. خطر از کنترل خارج شدن اوضاع، خود یکی از عوامل محرک برای تلاش تمامی گروه‌ها در حفظ امنیت و ثبات در بازی قدرت پیش از انتخابات خواهد بود، چرا که نفع مشترک برای تمامی گروه‌های موجود آرامش سیاسی برای کسب منافع حداکثری است.

در کنار آنچه به‌عنوان مقدمات و محذورات پیش‌روی نظام سیاسی افغانستان برای برگزاری انتخابات آتی ریاست‌جمهوری برشمارده شد؛ نقش و حضور نیروهای خارجی را نمی‌توان از نظر دور داشت. افغانستان سیزده سال است که از اشغال نظامی‌اش توسط آمریکا و ناتو می‌گذرد؛ از دیگر سو، پاکستان، عربستان، ایران و سایر کشورها هر یک منافع خاصی را در این کشور برای خود در نظر گرفته‌اند، اما نقش و حضور آمریکا، پاکستان و ایران پررنگ‌تر از سایرین است. نوشتار حاضر مشتمل بر چهار بخش است. در بخش نخست به چالش‌های پیش‌روی انتخابات افغانستان پرداخته خواهد شد. در بخش دوم، به معرفی سه بخت اصلی پیروزی در انتخابات، یعنی اشرف غنی احمدزی، عبدالله عبدالله و زلمی رسول و برنامه‌های آنان پرداخته خواهد شد. در بخش سوم، به بازیگران خارجی صاحب نفع و نفوذ در افغانستان نگاهی خواهیم داشت و در این رهگذر سیاست‌های پیشنهادی برای دولت جمهوری اسلامی ایران نیز مدنظر قرار خواهد گرفت.



چالش‌های پیش‌روی انتخابات افغانستان

برای ارائه تحلیل مناسب از این انتخابات در گام نخست می‌باید، نگاهی هرچند اجمالی بر شرایط سیاسی - اجتماعی و بافت فرهنگی این کشور داشت. تا از آن رهگذر برنامه‌های اعلامی نامزدهای انتخابات قابلیت محک بیشتری داشته باشند.

۱. انتخابات به‌عنوان نمود روند دمکراتیک

پذیرش برگزاری همه‌پرسی به‌عنوان نماد جامعه مدرن و برخاسته از تفکرات مترتب بر آن است. حال آیا افغانستان به‌عنوان کشوری سنتی و قبیله‌ای در جایگاه مناسب برای پذیرش این روند قرار دارد؟ اگر دمکراسی را به معنای حکومت برخاسته از مردم که دارای مشروعیت سیاسی باشد، در نظر بگیریم، آیا این کشور توان ایجاد چنین بستری برای تضمین امنیت، نظم، وضع و اجرای قانون و... که از پیش‌شرط‌های آن است، را داراست. داشتن فرهنگ سیاسی و اجتماعی از دیگر پیش‌شرط‌های لازم برای درک هنجارهای دمکراتیک است؛ آیا می‌توان رگه‌هایی از آن را در میان افغان‌ها مشاهده کرد. این سؤالات مهمی است که می‌باید بدان پاسخ داد. چرا که با پاسخ بدانها درک فرآیند انتخابات و نیز آینده سیاسی این کشور راحت‌تر در دسترس تحلیل قرار خواهد گرفت.

پاسخ کوتاه به تمامی سؤالات اخیرالذکر با چشم‌پوشی بر تفاوت‌های اندک در

میان برخی افراد و نه گروه‌ها می‌تواند منفی باشد.

برخی کارشناسان معتقدند که در نبود فرهنگ دمکراسی‌پذیر، انتخاب‌گزینشی و نمادین برخی از نمادهای دمکراسی در جامعه‌ای که هنوز منافع، گروهی و قبیله‌ای تعریف می‌شوند؛ می‌تواند محل تأمل واقع گردد. باور به منافع ملی جای پای محکمی نیافته است و به نظر هم نمی‌رسد در آینده نزدیک این مهم محقق گردد. معیار اصلی رفتار سیاسی نامزدهای انتخاباتی و سیاستمداران بر مدار توجه بر منافع قومی و گروهی است. در مقابل اما، برخی صاحب‌نظران انتخابات اخیر را نقطه عزیمت و عطفی برای حرکت جامعه افغان به سمت تقویت روندهای دمکراتیک تلقی می‌کنند.

۲. باورپذیری تأثیر آرای عمومی در میان افکار عمومی

در جامعه‌ای که به سبب بیش از پنجاه سال جنگ داخلی و ناامنی عدم اطمینان از روندهای سیاسی گروه‌های موجود نمایان است، ایجاد اطمینان برای اثرگذار بودن نقش و منافعشان در آینده سیاسی کشور، دشوار خواهد بود. انتخابات‌های پیشین در این کشور نشان داد تصمیم‌گیری‌های فردی که از مؤلفه اصلی رجوع به آرای عمومی است، تحت تأثیر تصمیم‌گیری گروهی و گاهاً پیروی از تصمیم دیگری است. از این رو، پایگاه قومی و گروهی نامزدهای انتخاباتی اهمیت خود در گمانه‌زنی‌های پیش از اعلام نتایج انتخابات را به رخ کشیده‌اند.



۳. جایگاه اقوام به جای احزاب

آنچه در دیگر کشورها به عنوان تأثیر باورهای حزبی در افکار عمومی مردم شاهد هستیم، در افغانستان جای خود را به اقوام می‌دهد. پشتون‌ها، ازبک‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها و... از گروه‌های قومی تأثیرگذار در روندهای سیاسی افغانستان هستند. برای مثال در انتخابات حاضر، چهره‌های مهم پشتون در تلاش هستند تا با ایجاد ائتلاف‌های مستحکم، انحصار حاکمیت قوم خاص را به نفع خود تغییر دهند و با تکیه بر شعار گردش نخبگان، دیگر گروه‌های قومی را وارد ائتلاف خود سازند. از سوی دیگر پایگاه اجتماعی گروه طالبان از میان قوم پشتون است که بیش از ۴۰ درصد از جمعیت افغانستان را به خود اختصاص داده است. طالبان تاکنون هیچ‌یک از انتخابات‌ها را به رسمیت نشناخته است. حضور و تأیید خود را منوط به خروج ۱۰۰ درصدی نیروهای خارجی کرده است. قطع به یقین بخش بزرگی از پشتون‌های حامی طالبان چشم به اعلام نظر این گروه خواهند داشت. اگرچه بسیاری در افغانستان بر این باورند که، طالبان بخش کوچکی از قوم پشتون را تشکیل می‌دهند اما در صورت عدم تحقق شعار دولت برای بهبود شرایط و خروج نیروهای خارجی که تلفات غیرنظامی بسیاری بر مردم مناطق دوردست تحمیل کرده است، می‌تواند آزمونی برای سنجش میزان رویگردانی مردم از دولت به سوی طالبان باشد.

از سوی دیگر یکی از مشکلات اساسی افغان‌ها این است که، با رفتارهای قومی می‌باید ادبیات سیاسی ملی را به نمایش بگذارند. انتخابات حاضر خود نمایش بازتولید قدرت قومی و قبیله‌ای در افغانستان است. کاندیداها به صورت مشخص

خود را با تبار قومی‌شان معرفی کردند. می‌توان این‌گونه برداشت کرد که، هنوز لایه‌های مختلف مردم و نخبگان در افغانستان بازی سیاسی خود را بر مدار اعتماد قومی بنا نهاده‌اند.

۴. عدم اطمینان به سلامت انتخابات

وجهه کمیسیون ملی انتخابات در افغانستان،^(۳) به سبب عملکرد بحث‌برانگیز در انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی پیشین، به‌شدت آسیب دیده است. برخی تردیدها نسبت به روند انتخابات به سبب دخالت چهره‌هایی نظیر رئیس‌جمهور حاضر، حامد کرزای مثلاً در برکناری دو عضو کمیسیون پنج نفره انتخاباتی می‌تواند مانعی جدی برای پذیرش نتیجه انتخابات در روز اعلام آن باشد.^(۴) ازسوی دیگر حامد کرزای در انتخابات پیشین ریاست‌جمهوری که برای بار دوم به این سمت منصوب شد، آماج حملات تندی نسبت به تقلب گسترده در انتخابات قرار گرفته بود.

۵. فقدان امنیت پایدار

حضور ملموس گروه‌های تندرو و تروریستی در افغانستان همچنان یکی از دغدغه‌های اصلی کابل و نیروهای خارجی حاضر در آن است. انتخابات فرصتی برای نمایش قدرت این گروه‌ها بیش از هر زمان دیگر مهیا می‌کند. در هنگامه خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، تلاش برای توافق پایدار با گروه‌های افراطی سبب شده است این انتخابات تبدیل به سنگ محکی برای هر دو طرف باشد که گروه‌های



تروریستی از یکسو با نمایش قدرت، هزینه را برای دولت مرکزی در نادیده گرفتن‌شان بالا ببرند و ازسوی دیگر، دولت مرکزی با برگزاری سالم انتخابات مجال گردش قدرت را به این گروه‌ها عرضه دارد.

دولت در افغانستان به سبب نزدیکی به موعد خروج نیروهای آمریکایی تحت فشار است؛ ازاین‌رو، انتخابات ریاست‌جمهوری را فرصتی مناسب برای ارائه راهکاری برای ورود این نیروهای تندرو به بدنه قدرت تعبیر می‌کند. تا این گروه‌ها با عنایت به رأی و نظر مردم در ساختار سیاسی حضور داشته باشند. به تعبیر دیگر، سلاح‌ها را بر زمین بگذارند و در کنار سایر گروه‌ها برای کسب منافع گروه و تفکر خود تلاش کنند.

معرفی کاندیداهای اصلی ریاست‌جمهوری

با برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان در ۱۶ فروردین‌ماه گمانه‌زنی‌ها سه چهره اصلی این انتخابات را زلمی رسول، اشرف غنی و عبدالله عبدالله معرفی می‌کنند. اعلام رسمی نتایج تا اواسط اردیبهشت‌ماه به طول خواهد انجامید. اما اندکی پس از اتمام رأی‌گیری عبدالله عبدالله و اشرف غنی خود را پیروز این انتخابات نامیده‌اند. در ادامه به معرفی این سه نامزد ریاست‌جمهوری افغانستان پرداخته خواهد شد. مواضع هریک از کاندیداها با تکیه بر سخنرانی‌هایشان در کمپین‌های انتخاباتی نسبت به

سیاست داخلی، سیاست خارجی و قرارداد امنیتی مورد توجه این بخش از نوشتار حاضر قرار خواهد گرفت.

۱. اشرف غنی و شعار انتخاباتی «تحول و تداوم»^(۵)

اشرف غنی احمدزی، متولد ۱۹۴۹ در ایالت لوگر افغانستان است. وی دکترای مردم‌شناسی خود را از دانشگاه کلمبیا در آمریکا دریافت کرده است. سال‌ها در بانک جهانی به فعالیت مشغول بوده است؛ از این رهگذر تبحر خاصی در مباحث سیاسی - اقتصادی و نیز چانه‌زنی با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی دارد. او را با عنوان «نابغه شرق» در مجامع بین‌المللی می‌شناسند. یکی از نقاط ضعف او در میان مردم، مسیحی بودن همسر وی (رولا عبدالغنی) و اتهام حمایت از سوی عربستان و پاکستان است.

از جمله مسئولیت‌های اشرف غنی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- مشاور اخضر ابراهیمی، نماینده ویژه سازمان ملل در افغانستان در اکتبر ۲۰۰۱،

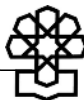
- مشاور ارشد حامد کرزای از سال ۲۰۰۱،

- رئیس اداره هماهنگ‌کننده کمک‌های بین‌المللی به افغانستان، سال ۲۰۰۱،

- وزیر امور مالییه، در دولت انتقالی حامد کرزای در سال ۲۰۰۲؛ وی تا سال

۲۰۰۴ در این سمت باقی ماند،

- ریاست دانشگاه کابل به سفارش دوست صمیمی‌اش زلمی خلیل‌زاد،



- مسئول برنامه انتقال مسئولیت امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای داخلی ازسوی حامد کرزای،
- نامزد دبیرکلی سازمان ملل به‌عنوان جانشین کوفی عنان، به سفارش زلمی خلیل‌زاد،

- طراح ایده «افغان‌سازی امنیت» در دولت حامد کرزای بود.

در انتخابات حاضر او «عبدالرشید دوستم» از قوم ازبک را به‌عنوان معاون اول و «سرور دانش» از قوم هزاره را به‌عنوان معاون دوم خود معرفی کرده است. وی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۶) به کابینه منتخب راه نیافت. چندی بعد به یکی از منتقدین اصلی دولت حامد کرزای بدل شد. در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) از طرف حامد کرزای مسئول برنامه انتقال مسئولیت امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای امنیتی داخلی شد. بسیاری از اعضای لوئی جرگه نظیر «علی احمد جلالی» رئیس این نهاد اجتماعی از وی حمایت کرده‌اند.

الف) سیاست داخلی

اشرف غنی با شعار تحول و تداوم وارد کارزار انتخابات افغانستان شد. اصلی‌ترین هدف خود را، اجرای درست قانون اساسی معرفی کرده است. او فساد اداری موجود در افغانستان را مانع اصلی عبور از شرایط کنونی و مبارزه با آن را لازمه بازگشت اعتماد مردم به سیستم سیاسی تعبیر می‌کند. توجه به زنان، جوانان و فقرا از اولویت‌های سیاست‌گذاری‌های دولت اشرف غنی خواهد بود. او اعلام کرده است که،

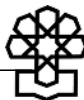
باید توجه را از مرکز به پیرامون معطوف کرد تا سطح مشارکت و ضریب نفوذ دولت در میان مدت و بلندمدت افزایش یابد.

اشرف غنی با توجه به سابقه حضور در بانک جهانی، دیدگاه‌های ملموس‌تری نسبت به سایر رقبای خود در زمینه اقتصادی دارد. او با تبیین شرایط اقتصادی افغانستان که بر مدار مصرف و دریافت کمک‌های خارجی دور می‌زند، دورنمای ایجاد یک نظام تولیدی را که حق سرمایه و سرمایه‌دار در آن محفوظ می‌ماند را نوید می‌دهد.

او مهمترین تحول مدنظر خود را تلاش برای ایجاد صلح پایدار در افغانستان عنوان کرده است. ایجاد فضایی امن برای زندگی مردم افغانستان که بتوانند تحصیل کنند، تخصص بیاموزند و مشغول کار شوند. اشرف غنی در مبارزات انتخاباتی خود بارها نام اکثریت خاموش افغان را به میان آورد. بسیاری این تاکتیک را یکی از نقاط قوت او می‌دانند. بر این اساس او بارها اعلام کرده که در دولت او مطالبات هیچ گروهی فراموش نخواهد شد.

ب) سیاست خارجی

اشرف غنی در باب سیاست خارجی اعلام داشته است که در قبال موضوعات منطقه‌ای، سیاست‌های دولت کرزای را ادامه خواهد داد. وی با عنایت به سابقه فعالیت در سازمان‌های بین‌المللی و آشنایی با چهره‌های شاخص و تأثیرگذار منطقه و جهان، امیدوار است از این رهگذر زمان برای رسیدن به توافقات آتی را برای افغان‌ها



به حداقل برساند. او نوید افزایش مانورهای سیاست خارجی و بازگشت احترام بین‌المللی به این کشور را داده است.

اشرف غنی بر این باور است که، کابل می‌باید به هر یک از کشورها با توجه به اولویتشان برای منافع افغانستان نگاه بیاندازد. وی، سیاست خارجی افغانستان را به پنج حوزه تقسیم می‌کند. کشورهای منطقه و جهان اسلام؛ آمریکا؛ اروپا و ناتو؛ ژاپن و آسیا؛ کانادا و نهادهای بین‌المللی کمک‌کننده به افغانستان از جمله این حوزه‌ها هستند. نکته حائز اهمیت در نطق انتخاباتی اشرف غنی اشاره به راه ترانزیتی نیمروز- چابهار است. با عنایت به شمای اقتصادی برنامه‌های اشرف غنی اعلام چابهار به‌عنوان یکی از مراکز قابل اتکا برای افغانستان برای صدور کالاها و مزیت دوری از مرز خاکی با پاکستان می‌تواند سیاست دولت احتمالی وی را با دولت جمهوری اسلامی ایران تحت لوای موافقتنامه‌های تجاری پررنگ‌تر سازد. او چابهار را برای منافع ملی افغانستان حیاتی معرفی کرده است. علیرغم اتهام نزدیکی به عربستان، توجه او به ارتقای سطح روابط با ایران قابل تأمل و توجه است.

ج) پیمان امنیتی

او موافق امضای پیمان امنیتی افغانستان با آمریکا است، اما مواضع اشرف غنی در مورد این پیمان با دیگر نامزدها متفاوت است؛ چرا که وی در دو سال گذشته بر روند انتقال مسئولیت‌ها از نیروهای خارجی به نیروهای افغان نظارت داشته است. از این رو، می‌توان گفت وی نسبت به شرایط موجود افغانستان در زمینه پیمان امنیتی از سایر نامزدها آگاه‌تر است. وی حتی اگر رئیس‌جمهور آینده افغانستان نیز

نشود، حتماً در موضوع قرارداد امنیتی از طرف رئیس‌جمهور آینده حداقل برای مشورت فرا خوانده خواهد شد.

اشرف غنی بر این باور است که، مقوله امنیت در افغانستان یک روند است؛ شرایط امروز این کشور قابل قیاس با سال ۲۰۰۱ نیست و افغان‌ها به تدریج توانمندتر می‌شوند و قابلیت پذیرش جایگاه‌های حساس نظامی و امنیتی را به دست می‌آورند. به دیگر سخن، او برای پذیرش این مسئولیت اکنون را زمان مناسب نمی‌داند. تأکید اصلی اشرف غنی بر آموزش سربازان افغان توسط نیروهای بین‌المللی است، او بر این باور است که، آموزش و استخدام این نیروها به معنای آمادگی آنان برای پذیرش مسئولیت به صورت کامل نیست؛ بلکه این پذیرش مسئولیت باید تا مدتی با نظارت نیروهای بین‌المللی صورت پذیرد تا ضریب اشتباه به حداقل برسد و تجربه نیروهای افغان در این مسیر افزایش یابد.

مشکل اصلی تأمین امنیت در افغانستان به باور اشرف غنی، بودجه است. درآمد دولت افغانستان نزدیک به ۲ میلیارد دلار است، اما تنها در بخش امنیتی این کشور نیازمند حدود ۵ میلیارد دلار بودجه است. از این رو، دریافت کمک‌های بین‌المللی یک امر حتمی و غیرقابل چشم‌پوشی است. تعهدات کنفرانس شیکاگو که مبتنی بر اعطای ۳۵ میلیارد دلار کمک مالی به بخش‌های امنیتی افغانستان است، منوط به امضای این قرارداد شده است.

اشرف غنی معتقد است قرارداد امنیتی افغانستان با آمریکا در کنار کمک به ریشه‌کن ساختن تهدیدات می‌تواند همکاری‌های منطقه‌ای کابل را ارتقا بخشد.



۲. عبدالله عبدالله و شعار انتخاباتی «اصلاحات و همگرایی»^(۱)

وی متولد ۱۹۶۰ در کابل است. عبدالله از پدری پشتون و مادری تاجیک است. پدرش سناتور انتصابی استان قندهار در آخرین شورای ملی در زمان ظاهر شاه بود. عبدالله تحصیلات خود را در رشته چشم پزشکی در دانشگاه کابل گذرانده است و با تغییر شرایط در افغانستان از سال ۱۳۶۳ در بیمارستان سیدجمال‌الدین اسدآبادی در پاکستان مشغول مداوای مهاجرین افغان بود. وی در سال ۱۳۶۴ به جرگه مبارزان علیه نیروهای شوروی پیوست و مسئول امور بهداشت و درمان درهٔ پنجشیر بود. او به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و نیز عربی و فرانسه آشنایی دارد. نزدیکی به احمدشاه مسعود عامل قوت و داشتن مادر تاجیک نقطه ضعف او در میان افکار عمومی تلقی می‌شود.

از جمله مسئولیت‌های عبدالله می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- مشاور و سخنگوی جبهه احمدشاه مسعود،

- رئیس دفتر و سخنگوی وزارت دفاع ملی، از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶،

- معاون وزیر خارجه در سال ۱۹۹۷،

- سرپرست وزارت خارجه دولت اسلامی افغانستان در سال ۱۹۹۹،

- وزیرخارجه در دولت حامد کرزی، از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۶.

عبدالله عبدالله در انتخابات ۲۰۰۹ ریاست‌جمهوری رقیب اصلی حامد کرزای بود و در اعتراض به تقلب گسترده از انتخابات کنار کشید. وی در انتخابات فروردین‌ماه ۱۳۹۳ محمد خان و محمد محقق را به‌عنوان معاونان اول و دوم خویش معرفی کرده

است. در این انتخابات «حزب اسلامی» به رهبری عبدالهادی ارغنده‌وال، بخش عمده‌ای از حزب «جمعیت اسلامی» و برخی از شخصیت‌های بانفوذ افغان از عبدالله عبدالله حمایت می‌کنند. وی به‌عنوان نماینده حزب جمعیت اسلامی خود را کاندیدای ریاست‌جمهوری کرده است. عبدالله عبدالله از نزدیکان به «احمدشاه مسعود» رهبر فقید افغان که میان توده مردم از محبوبیت بسیار بالایی برخوردار است، محسوب می‌شود. او را نماینده طیف مخالف دولت حاکم معرفی می‌کنند.

تحلیلگران بر این باور هستند در صورت سلامت انتخابات و به سبب پایگاه مردمی بسیار بالای عبدالله عبدالله، پیروزی از آن او خواهد بود. انتخاب وی به سود ایران تعبیر می‌شود. اما او در سخنرانی‌هایش بر نزدیک نبودن خود به هیچ‌یک از کشورها و گروه‌های منطقه‌ای تأکید کرده است. برخی بر این باورند، حتی احتمال این امر بسیار است که، او برای پاک کردن اتهام نزدیکی به ایران، برخی سیاست‌های غیرهمسو را در قبال ایران اتخاذ کند.

الف) سیاست داخلی

عدم توجه به قانون اساسی، تخلف‌های اداری و نبود عدالت اجتماعی از دلایلی است که، طالبان عملیات خود را براساس آن توجیه می‌کنند، در نتیجه عبدالله عنوان داشته سعی خود را در رفع گزینه‌های توجیهی طالبان صرف خواهد کرد. عبدالله اصلی‌ترین دغدغه خود در سیاست داخلی را، حاکمیت قانون معرفی کرد. او در نطق انتخاباتی خود اعلام داشت، افغانستان در حال عبور از دو کارزار تاریخی است؛ انتقال سیاسی و انتقال امنیتی و نظامی. هر دوی این موضوعات بر معیشت مردم و



اوضاع اقتصادی تأثیر بسزایی خواهد داشت. در صورت بازگشت ناامنی دیگر نمی‌توان روی کمک‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری‌های آنان حساب کرد. از این رو، پروژه‌های بهداشت و درمان و اشتغال‌زایی بر مدار برنامه‌ریزی‌ها پیش نخواهد رفت و در نتیجه نارضایتی روند صعودی طی خواهد کرد؛ موضوعی که حیات طالبان را تضمین می‌کند. افغانستان سالیانه نیاز به حداقل ۸ میلیارد دلار دارد که در حال حاضر به تنهایی توان تأمین این رقم را ندارد و متکی به دولت‌های خارجی است. از این رو، سیاست داخلی به صورت کامل تحت تأثیر سیاست خارجی خواهد بود.

افغانستان امروز نسبت به ابتدای سده اخیر تفاوت بزرگی مخصوصاً در حوزه زنان را تجربه کرده است. او بر این باور است که، در چند سال اخیر ابهام در وضعیت مذاکره با طالبان و در نگاه کلان‌تر ناامنی در افغانستان بر فعالیت زنان نیز سایه انداخته است. از این رو، یکی از راهکارهای اصلی او این است که، یک سیاست مانع تحقق و توجه به سیاست دیگر نشود. مشارکت سیاسی زنان و نیز تغییر در باور مردم حتی در نقاط دوردست برای اجازه تحصیل به دختران نماد چنین تغییری است، اما نباید انتظار معجزه داشت؛ این حوزه مانند سایر بخش‌ها نیازمند برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است.

عبدالله در خصوص طالبان و آینده سیاسی آنان بر این باور است که، همان‌طور که شکل‌گیری آنان در گستره زمان بوده است، نمی‌توان انتظار ریشه‌کن شدن آنان را در کوتاه‌مدت داشت. ورود اعضای این گروه به بدنه حاکمیت و کنار گذاشتن سلاح

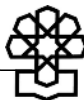
هدف عالی و آتی همه افغان‌هاست؛ اما پیگیری سیاست از راه خشونت هنوز اولین گزینه پیش روی طالبان است.

عبدالله بارها در سخنرانی‌های خود بقای طالبان را در عدم توجه دولت و نخبگان به خواست مردم معرفی کرده است. وی بر این باور است که، در صورت رفع نیازهای اولیه مردم، طول عمر این گروه به حداقل ممکن خواهد رسید. از این رو، اولویت خود را بر رفع حوائج روزمره افغان‌ها که همانا، معاش و امنیت است؛ مبذول خواهد داشت.

ب) سیاست خارجی

عبدالله بزرگ‌ترین چالش سیاست خارجی خود را مذاکره با پاکستان بر سر طالبان می‌داند. وجود پایگاه‌های طالبان در خاک پاکستان معضل امنیتی نیروهای خارجی تا به امروز و دولت آینده افغانستان است. پاکستان تا به امروز از طالبان به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهداف خود بهره برده است. کابل و اسلام‌آباد برای بازگشت به روابط عادی نیاز به زمان برای اعتمادسازی و تنش‌زدایی دارند.

عبدالله اعلام کرده است، علیرغم اینکه موضوع پاکستان دغدغه اصلی سیاست خارجی او خواهد بود، اما دیپلماسی فعالی را در قبال تمامی کشورهای همسایه پی خواهد گرفت. او از تهران به‌عنوان دولت دوست که هم در سال‌های جنگ داخلی و هم در دوران بازسازی در کنار افغان‌ها ایستاد، یاد کرده است و بر این باور است که، با تکیه بر تجربیات ایران می‌توان روند بازسازی زیرساخت‌های افغانستان را سرعت بخشید.



عبدالله تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی را یکی از اولویت‌های تمامی نامزدها می‌داند، چراکه با تحلیل واقع‌بینانه از شرایط کنونی افغانستان، بقای این کشور بدون دریافت این حمایت‌ها بی‌معنا خواهد بود.

ج) پیمان امنیتی

عبدالله رسماً اعلام کرده است، از امضای پیمان امنیتی حمایت خواهد کرد. او این توافقنامه را، یک ضرورت امنیتی برای افغانستان از دو منظر می‌داند. نخست آنکه، نهادهای نظامی اعم از پلیس، ارتش و سازمان اطلاعات افغانستان هنوز به خودکفایی کامل نرسیده‌اند. دیگر آنکه، اگر افغانستان این پیمان را به امضا نرساند، کمک‌های ایالات متحده، اروپا و جامعه بین‌المللی تقریباً قطع خواهد شد. افغانستان فاصله زیادی با اتکا به درآمدهای داخلی خود دارد. این امر موضوعی است که هر سه نامزد بر آن اذعان دارند.

۳. زلمی رسول و شعار انتخاباتی «اعتدال، برابری و سازندگی»^(۷)

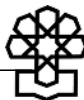
زلمی رسول متولد ۱۹۴۳ در کابل، از افراد پشتون‌تبار و از قبیله «محمدزای» است. او دوران ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان استقلال که توسط فرانسه در کابل پایه‌گذاری شده بود، گذراند و در رشته پزشکی از دانشگاه پاریس در فرانسه مدرک دکترای گرفت. وی با زبان‌های فارسی، دری، پشتو، فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی و عربی آشنایی دارد.

از مسئولیت‌های پیشین وی می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- ریاست دفتر محمد ظاهر شاه سابق در رم،
- وزیر خارجه افغانستان از ژانویه ۲۰۱۰ تا اکتبر ۲۰۱۳،
- مشاور امنیتی رئیس‌جمهور از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۰،
- مسئول ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های امنیتی و سیاست خارجی،
- وزیر هوانوردی در سال ۲۰۰۳،
- نماینده افغانستان در اجلاس اول بن (۲۰۰۱).

وی به سبب نزدیکی بسیار زیاد به حامد کرزای در بسیاری از سفرهای خارجی او را همراهی کرده است. ازسوی دیگر عبدالقیوم کرزای، برادر رئیس‌جمهوری فعلی در حمایت از او از ادامه رقابت کناره‌گیری کرد. این کناره‌گیری به معنای حمایت ضمنی دولت فعلی و حامیانش از زلمی رسول تعبیر می‌شود. مورد اخیرالذکر باعث شده است، بسیاری با توجه به ظن سلامت انتخابات، زلمی رسول را پیروز زود هنگام انتخابات معرفی کنند، اما گمانه‌زنی‌ها پس از انتخابات وی را صاحب جایگاه سوم معرفی می‌کند.

وی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۳، احمدضیا مسعود (برادر احمدشاه مسعود) و حبیبه سرابی را به‌عنوان معاونان خود برگزیده است. گفته می‌شود، انتخاب حبیبه سرابی والی ولایت بامیان ازسوی زلمی رسول، به امید همراهی گروه‌های حامی زنان و نیز جلب نظر مجامع بین‌المللی است.



الف) سیاست داخلی

زلمی رسول دغدغه اصلی خود در سیاست داخلی را، مقابله با فساد اداری و ایجاد زمامداری سالم معرفی کرده است. مقابله با فساد اداری، حکومتداری سالم، برقراری عدالت اجتماعی و اشتغال‌زایی مواردی نیستند که در کوتاه‌مدت مسجل شوند. او بحران پیش‌روی دولت احتمالی خویش را، **بیکاری فارغ‌التحصیلان** دانشگاه معرفی کرد. با تغییر فضای افغانستان در طی ۱۰ سال اخیر، تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه به‌ویژه در میان زنان روندی پرشتاب را طی کرده است. این امر تنها به‌دست دولت قابل حل نیست و نیازمند جذب سرمایه‌های خارجی است. از این‌رو، **دولت وی سعی در تغییر قوانین به سود جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی خواهد داشت.** با جذب سرمایه‌های خارجی و سوق دادن آن به سوی پروژه‌های کلان زیربنایی از یکسو آینده افغانستان تأمین خواهد شد و ازسوی دیگر، تعداد بسیاری از افغان‌ها در سرزمین خود به‌کار گمارده خواهند شد.

زلمی رسول مسئله اصلی افغانستان را **نحوه مقابله با تهدیدات طالبان** می‌داند. چرا که در صورت عدم فائق آمدن بر بحران امنیتی ناشی از حضور آنان بخش بزرگی از کمک‌های دریافتی افغانستان ازسوی مجامع بین‌المللی باید صرف مقابله با آنان شود و مجالی برای توجه به زیرساخت‌ها و دیگر اولویت‌ها باقی نمی‌ماند. از دید وی، تهدیدات امنیتی افغانستان قابل حل است؛ اما تا زمانی که تندروها از سوی پاکستان حمایت می‌شوند و با عملیات انتحاری و چریکی با نیروهای دولتی و مردم عادی مبارزه می‌کنند دولت را تحلیل می‌برند.

ب) سیاست خارجی

بهبود روابط با همسایگان از اولویت‌های سیاست خارجی زلمی رسول خواهد بود. زلمی رسول بر این باور است که قدرت اروپا و آمریکا در حال نزول است و در مقابل کشورهای آسیایی در حال افزایش قدرت خود هستند. قدرت‌های جدید مانند چین، ایران، کشورهای حاشیه خلیج فارس همگی سیر صعودی خود را طی می‌کنند. از این رو، این کشور می‌بایست روابط خود را با ایران و کشورهای قدرتمند آسیایی ارتقا بخشد.

زلمی رسول ایران را کشور دوست و همراه افغانستان دانسته است. او در سخنرانی انتخاباتی خود اشاره داشته است که، افغانستان هیچ‌گاه مشکل مرزی با ایران نداشته است و تمامی موضوعات خود را با این کشور در چارچوب دیدار مقامات عالی دو کشور قابل حل دیده است. او اولویت خود در رابطه با تهران را، حل مشکلات مهاجرین و ارتقای سطح روابط اقتصادی عنوان داشته است. اصلی‌ترین چالش کابل در حوزه سیاست خارجی، ایجاد رابطه صادقانه با پاکستان است. علیرغم وجود مشکلات، هر دو کشور نیازمند ایجاد روابط مستحکم برای پایان بخشیدن به بحران امنیتی موجود هستند. امروز پاکستان به دنبال احیای اقتصاد خود است و برای این سیاست پیش‌نیاز امنیتی مستحکمی نیاز است. طالبان بیش از اینکه در شهرهای افغانستان دست به عملیات بزنند، از پیشاور تا لاهور را ناامن کرده‌اند. از این رو، به نفع اسلام آباد خواهد بود که طالبان را پای میز مذاکره با کابل بنشانند.



تلاش برای تنش‌زدایی با پاکستان می‌تواند بر روابط هند و افغانستان نیز سایه افکند، اما کابل تمام تلاش خود را خواهد کرد تا زمینه حضور سرمایه‌گذاران هندی در بخش معدن و پروژه‌های زیربنایی همچنان فراهم باقی بماند.

زلمی رسول با اشاره به عربستان بارها اعلام کرده است که، علیرغم حمایت عربستان سعودی از طالبان در جریان جنگ داخلی، دولت او سعی در بهبود روابط با تمامی کشورهای اسلامی از جمله عربستان خواهد داشت.

وی از بی‌توجهی نیروهای بین‌المللی و قدرتهای منطقه‌ای به هشدارهای آنان نسبت به قدرت‌گیری پاکستان انتقاد کرده است و مدعی است اگر آمریکا به افغانستان حمله نمی‌کرد به‌طور قطع پاکستان از طریق طالبان، افغانستان را ضمیمه خاکش کرده بود. او ناامنی موجود در افغانستان را مولود بازیگران خارجی می‌داند. از یک‌سو پاکستان و از سوی دیگر آمریکا؛ به باور او، اگر آمریکا تمرکز خود را در مهار تروریسم از افغانستان به سوی عراق منحرف نمی‌کرد. جنگ با تندروها مدت‌ها پیش به پایان رسیده بود و آنان پس از سال ۲۰۰۳ دوباره قدرت نمی‌گرفتند.

زلمی رسول با تکیه به گذشته تاریخی افغانستان، شرایط کنونی افغانستان، سوریه و عراق را زنگ خطری برای سایر کشورهای اسلامی معرفی می‌کند. او بر این باور است که، جهان اسلام باید در مقابل دانش‌آموختگان مدارس مذهبی در پاکستان بایستد. کلید اصلی مبارزه با این روند هم در همکاری صادقانه میان افغانستان و پاکستان است.

ج) پیمان امنیتی

زلمی رسول نیز مانند دو کاندیدای رقیب موافق امضای توافقنامه امنیتی افغانستان با آمریکا است. او مشکل افغان‌ها در عدم امضای این قرارداد را تعداد سربازان خارجی می‌داند. به باور وی، در صورت امضای این پیمان سربازان از ۱۵۰ هزار به ۱۰ هزار خواهند رسید که این رقم با توجه به حجم معضلات امنیتی افغانستان بسیار اندک است. از سوی دیگر، مشروط شدن کمک‌های بین‌المللی به امضای این قرارداد تأثیر منفی بر افکار عمومی افغانستان و نیز نخبگان قومی داشته است. به همین سبب، دولت کرزای مسئولیت امضای این قرارداد و روبرو شدن با عواقب احتمالی آن را به دولت بعدی واگذار کرده است.

هراس از قطع کمک‌های بین‌المللی که سبب فرو ریختن شاکله اقتصادی افغانستان خواهد شد، بسیاری از روندهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. مشکل افغانستان این است که، بسیاری از کشورهای کمک‌کننده به آن نظیر ژاپن^۱ مواضع نزدیکی با آمریکا دارند و در صورت عدم امضای این قرارداد آنان نیز کمک‌های خود را به صورت معلق در خواهند آورد.

۱ کمک‌های مالی توکیو در ۸ سال آینده نزدیک ۱۶ میلیارد دلار خواهد بود.



دولت‌های خارجی و انتخابات افغانستان

افغانستان به‌عنوان گذرگاه منافع منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از زمان حمله شوروی در جنگ سرد مورد توجه قرار گرفت. در آن تاریخ نیز به سبب تضاد منافع آمریکا و شوروی جولانگاه تاخت‌وتاز واقع شد. حضور نیروهای بیگانه شوروی از یکسو و آمریکا از طریق خاک پاکستان ازسوی دیگر، خود سبب غلیان احساسات بیگانه‌ستیزی شد. از دهه ۹۰ میلادی نیز افغانستان عرصه حضور نمایندگانی از کشورهای چون آمریکا، عربستان و پاکستان بود. قطعاً، چارچوب منافع ترسیمی آنها در افغانستان توانِ اثرگذاری و گاهاً تغییر اوضاع را داراست.

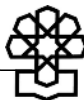
• آمریکا: بروز حادثه ۱۱ سپتامبر جهانیان را متوجه جنگ داخلی و ترتیبات تروریستی حاکم در افغانستان کرد. با ورود نیروهای آمریکایی و ناتو جنگ رسمی علیه تروریست‌های موسوم به القاعده آغاز شد. در دوره ریاست‌جمهوری بوش تمرکز آمریکا بر دفع خطر در خاک افغانستان بود، اما با روی کار آمدن اوباما وی نگاه خویش را به آن سوی مرزهای جنوبی افغانستان دوخت. به دیگر سخن، اوباما رسماً اعلام کرد، هرآنچه در افغانستان روی می‌دهد و موجب عدم توفیق در ریشه‌کن ساختن افراط‌گری در این کشور می‌شود، ریشه در پناهگاه تروریست‌ها در مرزهای شمالی پاکستان دارد. تلاش برای مبارزه با آنها در وزیرستان شمالی و نیز دره سوات موجب گستردگی دامنه جغرافیایی فعالیت نیروهای نظامی آمریکا و در نتیجه افزایش شمار آنان شد. در شرایطی که آمریکا دست به گریبان معضلات اقتصادی بی‌شماری بود، این حجم از تخصیص بودجه به ادامه جنگ در خارج از مرزها موجب

افزایش اعتراضات داخلی گردید. از این روی، تمرکز بر تغییر حوزه جغرافیایی نبرد با گروه‌های تندرو به‌عنوان گزینه پیش‌روی سیاستمداران آمریکایی قرار گرفت. نتیجه چنین تغییر نگرشی را می‌توان در مفاد طرح پیشنهادی موسوم به «قرارداد امنیتی» جستجو کرد.

از سوی دیگر، براساس توافقات «بن ۲» نیروهای ناتو می‌بایست تا پایان ۲۰۱۴ خاک افغانستان را ترک کنند. این توافقنامه می‌تواند گریزی از این محمل باشد، چرا که آمریکا مایل به خروج یک‌باره نیروهایش از افغانستان نیست.

نگاه کاندیداها به موضوع امنیت خود به روشنی اهمیت آن را برای بازیگران داخلی و خارجی به نمایش می‌گذارد. مراد، درک نگاه و موضع آنان در قبال مسئله ناامنی و گروه‌های تندرو در دوره احتمالی ریاست‌جمهوری آنان است. توافقنامه امنیتی اشاره مستقیم به بخش آموزشی نیروهای افغان تحت لوای دوره‌های بلندمدت داشته و این امر به‌روشنی نشان از حضور عینی نیروهای نظامی آمریکایی در این کشور دارد. بسیاری این قرارداد را پاسخی به اعتراضات داخلی آمریکا و حساسیت‌های ضدآمریکایی در افغانستان می‌دانند.

از دیگر سو، منوط کردن امضای این قرارداد به دریافت کمک‌های مالی مندرج در توافقنامه شیکاگو بسیاری را نسبت به اهداف اعلامی آمریکا بدبین کرده است. آمریکا قصد القای این پیام را به کاندیداها داشته که در کوتاه‌مدت و در شرایطی که افغانستان یارای پوشش بودجه جاری خود را ندارد تأمین بودجه امنیتی سرسام‌آور برایشان تبعات مهلکی و بی‌بازگشتی به‌همراه خواهد داشت. واشنگتن قصد دارد تا از



این موضوع به‌عنوان اهرم فشاری برای متقاعد کردن رئیس‌جمهور آینده افغانستان به امضای قرارداد امنیتی با آمریکا استفاده کند.

• **عربستان سعودی:** عربستان از جمله بازیگرانی است که درصدد تأثیرگذاری

بر انتخابات آتی افغانستان می‌باشد. اولین حضور عربستان در افغانستان را می‌توان به معاهده دوستی دو طرف در سال ۱۹۳۲ و سفر ملک فیصل پادشاه عربستان در سال ۱۹۵۲ به افغانستان نسبت داد. این سفر زمینه‌ساز تأسیس دانشگاه کابل و به تعبیری نفوذ عقیدتی عربستان در خاک افغانستان گردید. روابط دو کشور پس از کودتای ثور روزهای متفاوتی را تجربه کرد؛ عربستان با تزریق پول برای خرید سلاح به پاکستان زمینه‌ساز این تیرگی روابط شد. حضور اسامه بن‌لادن مرکز ثقل تمامی نگاه‌ها در افغانستان به سوی عربستان است. حمایت مالی ریاض برای تربیت و جذب نیروهای جهادی یکی از مهمترین مؤلفه‌های بررسی روابط دو کشور است. نقطه اوج بدبینی افغان‌ها به عربستان، به سال ۱۳۷۶ زمانی که عربستان دولت موقت مجاهدین مستقر در پیشاور به ریاست «صبغت‌الله مجددی» را به رسمیت شناخت، باز می‌گردد. عربستان یکی از سه کشوری بود که طالبان را رسماً به رسمیت شناخت.^(۸)

عربستان با تخصیص کمک‌های مالی سعی در زدودن علامت‌های منفی گذشته، از چهره خود دارد. این کشور از سال ۲۰۰۱، با تخصیص بودجه‌های متفاوت عمرانی سعی در نفوذ در لایه‌های متفاوت جمعیتی افغان داشت.

با عنایت به نفوذ ریاض در میان طالبان، نقش این کشور در تحولات آتی بسیار

مهم تلقی می‌شود، چرا که کارشکنی و یا همراهی طالبان می‌تواند آینده متفاوتی را برای افغانستان رقم بزند. به تعبیر دیگر، امروز کمتر کسی نقش طالبان را برای عبور بی‌دغدغه کابل از بحران منکر می‌شود. ریاض با توجه به حمایت مالی سال‌های دور و نیز نقش و نفوذ معنوی و مادی کنونی در میان لایه‌های مختلف نیروهای موسوم به طالبان می‌تواند این روند را سرعت بخشد. از سوی دیگر، عربستان با توجه به نقش تعریفی منطقه‌ای برای خود نمی‌تواند کشوری را که در حوزه نفوذ منطقه‌ای ایران است، نادیده بگیرد. به تعبیر دیگر، اگر عربستان نتواند منافع خود را در رأی خارج شده از صندوق ببیند، احتمال به چالش کشیدن موضوعات مهم که پیش روی سایر رقبای منطقه‌ای اش قرار دارد، بسیار محتمل است.

اشرف غنی، در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران در نشست مطبوعاتی خود در پاسخ به این سؤال که اولین مقصد خارجی او پس از احراز پست ریاست‌جمهوری کدام کشور خواهد بود، از عربستان نام برد. (البته با ذکر دلایل خاص اعلامی خود که عربستان مرکز جهان اسلام است و ما برای دریافت کمک‌های خارجی نیازمند حمایت آن هستیم)؛ اما این پاسخ گواه حمایت دولت عربستان و یا حداقل بخشی از حلقه شاهزادگان ثروتمند این کشور از اشرف غنی است.

تعبیر دیگری نیز در مورد توجه اشرف غنی به عربستان وجود دارد که، روی امکان سرمایه‌گذاری میلیاردی شاهزادگان سعودی در افغانستان و فرار از تک‌قطبی بودن کانال‌های سرمایه‌گذاری دور می‌زند.

تحلیل نگاه عربستان به قرارداد امنیتی مشکل به نظر می‌رسد. این قرارداد



تضمین حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان و به تعبیری تهدیدی برای نیروهای مورد حمایت ریاض در پاکستان است. از سوی دیگر، عربستان در سطح کلان خود را همسو با بازی آمریکا در منطقه نشان داده است؛ از این رو، بعید به نظر می‌رسد مخالفت علنی با این قرارداد اعلام دارد، اما با عنایت به سرمایه‌گذاری میلیاردی در دهه‌های اخیر روی نیروهای تندرو در شمال پاکستان، این قرارداد در صورت عدم تفاهم با نیروهای طالبان برای زمین گذاشتن سلاح، می‌تواند تهدیدی برای منافع عربستان در منطقه باشد. به واقع بسیاری مذاکره با طالبان برای ورود به سیستم سیاسی را مذاکره با پاکستان و عربستان می‌دانند.

● **پاکستان:** پاکستان به‌عنوان همسایه جنوبی افغان‌ها از زمان حمله شوروی به صورت ملموس وارد موضوع افغانستان شد. در دوران جنگ سرد به‌عنوان مسیر دسترسی آمریکا به افغانستان برای رویارویی با رقیب خود نگریسته می‌شد. پس از جنگ سرد و خروج نیروهای شوروی، اسلام‌آباد با تکیه بر دلارهای نفتی عربستان و وام‌های گزاف آمریکا توانست مدارس مذهبی را در حاشیه مرزهای افغانستان برپا کند تا با تربیت نیروهای موسوم به طالبان بازی قدرت در همسایه شمالی خود را مختل سازد.

پس از اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱، نیروهای خارجی رسماً از پاکستان خواستند تا مرزهای خود را به روی نیروهای تندرو ببندد تا برقراری امنیت و مبارزه با تندروها در خاک افغانستان با سهولت بیشتری پیگیری شود؛ اما اسلام‌آباد بی‌اعتنا به درخواست‌های بین‌المللی چشم بر این مهم بسته است. مدارس مذهبی در پاکستان

در ابتدای امر زیر نظر سرویس اطلاعاتی پاکستان مشغول جذب نیرو از سراسر جهان اسلام بودند و بعد از آموزش، آنان را برای جهاد علیه کفار راهی افغانستان می‌کردند.

نقش پاکستان در همراهی و حمایت از نیروهای تندرو سبب شد تا این کشور به‌عنوان «بهشت امن تروریست‌ها» از سوی اوباما نامیده شود. همان‌گونه که ذکر آن رفت، سه نامزد اصلی ریاست‌جمهوری افغانستان نیز اولویت سیاست خارجی خود را تنش‌زدایی با پاکستان و مذاکره با طالبان عنوان داشته‌اند که خود گواه اهمیت نقش اسلام‌آباد در معضل امنیتی افغانستان است.

پاکستان با چشم‌پوشی بر حرکت تروریست‌ها در دوسوی خطوط مرزی با افغانستان، عبور و مرور این نیروها را میسر ساخته است. از سوی دیگر، شریان حیاتی تندروها ترانزیت مواد مخدر و سوخت به دو سوی مرز است. در صورت پاکسازی مرزها حیات این گروه‌ها برای عضوگیری و آموزش نیروهای جدید به حداقل رسیده و نیز مقبولیت آنها در میان نیروهای موجود نیز کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، تروریست‌ها دیگر نمی‌توانند پس از عملیات خرابکاری در افغانستان به خاک پاکستان پناه ببرند و مقابله با آنها سهل‌تر خواهد بود.

با عنایت به نقش پاکستان در معضلات سیاسی-امنیتی افغانستان و بدبینی افکار عمومی نسبت به آنها، به نظر نمی‌رسد هیچ‌یک از کاندیداها موضع متفاوتی در قبال این کشور اتخاذ کنند. هر سه، رسماً اعلام داشته‌اند، اولویت سیاست خارجی‌شان تنش‌زدایی با پاکستان و در ادامه آن مذاکره با طالبان است، اما در این



میان، اشرف غنی را گزینه مورد نظر پاکستان تعبیر می‌کنند.

قرارداد امنیتی با توجه به تلاش برای بومی‌سازی امنیت در افغانستان در بلندمدت و ایجاد پایگاه نظامی، تهدیدی برای نقش پاکستان در خاک افغانستان و منطقه است. از این رو، اسلام‌آباد مخالف امضای این قرارداد از سوی کابل است. اما به سبب ورود معضلات امنیتی نیروهای تندرو به درون خاکش توان تأثیرگذاری چندانی روی این موضوع ندارد.

● **ایران:** روابط ایران و افغانستان با تأکید بر گذشته تاریخی - فرهنگی دو کشور، نمود و بروز متفاوتی در ایام حاضر داشته است. روابط رسمی دو کشور پس از استقلال افغانستان از ایران در ابتدای قرن بیستم میلادی آغاز شد. قرارداد مودت در سال ۱۹۲۱ بین دو کشور به امضا رسید که در این تفاهم‌نامه دو طرف پایه‌های روابط کنسولی خود را شکل دادند و در معاهده دیگری که در سال ۱۹۲۶ به امضا رسید، تهران و کابل متعهد شدند بی‌طرفی خود را هنگام تعرض دولت دیگر حفظ نمایند. قراردادهای و تفاهم‌نامه‌های دیگری نیز از آن تاریخ تا به امروز به امضا طرفین رسیده است که هر یک به فراخور موضوع، شاکیه روابط دو کشور را شکل داده است.

مهمترین موضوعات پیش روی تهران و کابل در حال حاضر عبارتند از: مسئله رود هیرمند، حضور نیروهای بیگانه در افغانستان، تحرکات طالبان، ترانزیت مواد مخدر و مهاجرین افغان. این موضوعات می‌توانند سیاست خارجی ایران در قبال افغانستان و بالعکس را در گستره زمان متفاوت سازند. به واقع حضور بازیگران

خارجی در مقاطع مختلف روابط تهران و کابل را دستخوش تحول کرده است. ابتدا حمله نیروهای شوروی به خاک افغانستان در دهه هفتاد میلادی، که در واکنش به آن مجموعه‌ای از نیروهای جهادی در داخل و خارج از این کشور برای مقابله با آنها بسیج شدند. مقابله با نیروهای شوروی و جنگ داخلی در افغانستان زمینه را برای حضور بازیگران منطقه‌ای نظیر پاکستان و عربستان با شعار جهاد علیه کفار فراهم آورد و شرایط را برای مردم افغانستان متفاوت کرد. ازسوی دیگر این حمله در فضای جنگ سرد رخ داد و زمینه را برای توجه آمریکا به افغانستان فراهم کرد. آمریکا برای رسوخ در بازی قدرت شوروی در افغانستان از پاکستان مدد گرفت. این حوادث در مرزهای شرقی ایران زمینه را برای امنیتی کردن منطقه و افزایش هزینه‌های امنیتی برای دولت ایران فراهم آورد. بازی قدرت دو ابرقدرت در منطقه، شرایط و فضای منطقه را آشفته ساخت. این امر سبب آغاز مهاجرت افغان‌ها به خاک ایران شد. پس از خروج نیروهای شوروی و ادامه جنگ داخلی، روند مهاجرت در دهه‌های بعدی نیز ادامه داشت تا زمان حمله آمریکا و ناتو در سال ۲۰۰۱ که این روند شیب تندی به خود گرفت. جنگ داخلی در افغانستان و ضعف نهاد دولت در سال‌های پس از حضور نیروهای بیگانه سبب قوت گرفتن کسب درآمد از راه کشت خشکاش توسط کشاورزان این کشور شد. موضوعی که دیگر یک مسئله داخلی برای افغان‌ها تعبیر نمی‌شود و تبدیل به یک بحران بین‌المللی شده است. چراکه مدیریت صدور این مواد برعهده نیروهای طالبان است و ترانزیت مواد مخدر تنها از طریق خشکی امکان‌پذیر است. از این رو، مرز خاکی ایران و پاکستان با افغانستان محل توجه



آنان قرار گرفت.

به سبب جنگ داخلی طولانی و نبود دولت مرکزی قدرتمند زمینه برای حضور نیروهای خارجی تحت نام القاعده و طالبان در این کشور فراهم شد. این نیروها با پول عربستان و آموزش پاکستان در خاک افغانستان فعالیت می‌کردند. بعد از خروج نیروهای شوروی در اواخر دهه هشتاد میلادی حضور این نیروها در افغانستان معنای خود را از دست داد؛ اما ادامه حضورشان در کنار جنگ قدرت میان نیروهای داخلی سبب افزایش هرج و مرج و نابسامانی سیاسی و اجتماعی در این کشور شد. به گواه اسناد، افغانستان در دهه نود میلادی تبدیل به سرزمینی بی‌دولت و بهشتی برای نیروهای تندرو گردید. این نیروها در افغانستان و پاکستان آموزش می‌دیدند و در صورت نیاز در سایر کشورها عملیات تروریستی را مدیریت و به انجام می‌رساندند و دوباره به افغانستان باز می‌گشتند بدون اینکه دولتی توان مقابله با تهدیدات امنیتی آنان را دارا باشد.

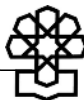
با وقوع حوادث یازدهم سپتامبر و به تبع آن حمله آمریکا به این کشور، مقابله با این نیروها مورد توجه بین‌المللی قرار گرفت، چرا که تهدیدات امنیتی آنان متوجه یک کشور و یا منطقه خاص نبود و معضلی جهانی از سوی نیروهای اشغالگر تعریف شد. این حمله زمینه را برای حضور دوباره نیروهای بیگانه در آن سوی مرزهای ایران فراهم آورد و همین امر افزایش حساسیت سیاسی و امنیتی کشورمان نسبت به مسائل افغانستان را به دنبال داشت. حضور ایران در کنفرانس بن اول مؤید همین حساسیت بود.

مواردی که ذکر آن رفت، در طول سال‌ها موضوعات میان دو کشور را شکل داده‌اند. جنگ داخلی در افغانستان و به تبع آن ناامنی و مهاجرت مردم افغانستان به ایران، حضور نیروهای بیگانه در آن سوی مرزهای ایران و ترانزیت مواد مخدر از جمله این موارد هستند. به هر روی واقعیت‌های موجود گواه این امر هستند که، توسعه و بسط روابط دو کشور به سبب مواردی که ذکر آن رفت، تنها منوط به علائق دو دولت نیست.

تغییر فضای سیاسی در ایران با تغییر دولت از یکسو و نیز پایان دوران ریاست جمهوری حامد کرزای از سوی دیگر می‌تواند دو کشور را وارد فضای جدیدی از روابط نماید. ایران در سال‌های اخیر نگاه سیاست خارجی خود را به آن سوی مرزهای شرقی خویش دوخته است. اولویت یافتن آسیای مرکزی و نیز توجه و اذعان به ناامنی‌های موجود در دوسوی مرزهای افغانستان و پاکستان زمینه را برای عقد تفاهم‌نامه‌های همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی میان دو کشور فراهم آورده است. نگاه ایران به انتخابات افغانستان به سبب اهمیت بحث برای منافع ملی ایران در بخش جداگانه‌ای که در ادامه خواهد آمد، بیان شده است.

انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و منافع و الزامات ایران

از قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، پیش‌بینی می‌شد که عبدالله عبدالله، زلمی رسول و اشرف غنی از بخت بیشتری نسبت به سایر کاندیداهای ریاست جمهوری برخوردار هستند. بر این اساس گمانه‌زنی‌های بسیاری در مورد



نتیجه آرا مطرح می‌شود، اما آنچه مسلم است عبدالله عبدالله به سبب پایگاه مردمی قابل اتکا و نقش در جنگ داخلی محبوبیت بسیار زیادی در میان توده‌های مختلف مردم دارد. از سوی دیگر اشرف غنی گوی سبقت را از زلمی رسول ربوده است. موضوع پیشتازی دو رقیب دیگر نسبت به نامزد مورد حمایت دولت، می‌تواند اعتماد مردم نسبت به سلامت انتخابات را که پیش‌تر بدان پرداخته شد، بالا ببرد. اشرف غنی به واقع نامزد شگفتی‌ساز این دوره از رقابت‌های انتخاباتی افغانستان است. برخی معتقدند وی به سبب حضور طولانی‌مدت در نهادهای بین‌المللی و از همه مهم‌تر عدم وجود برچسب به‌عنوان عضو یکی از گروه‌ها و دسته‌های موجود می‌تواند گزینه‌ای باشد که، دعوی قدرت را در زمانی که افغانستان بیش از هر چیز نیازمند سیستم سیاسی آرام برای فعالیت پایدار است، فراهم آورد. به نظر می‌رسد اشرف غنی گزینه مورد حمایت دولت‌های خارجی نیز باشد.

اما سناریوی دیگری نیز روی میز قرار دارد. احتمال کشیده شدن انتخابات به مرحله دوم چالش دیگری پیش روی کمیسیون انتخابات افغانستان است. بسیاری بر این باورند در یک سوی این مرحله عبدالله عبدالله قطع به یقین حضور خواهد داشت، اما در شرایطی که امنیت، دغدغه اصلی تمامی کاندیداهاست، نفع مشترک در یافتن پاسخ در مرحله اول است.

موضوع دیگر، این است که کدامیک از کاندیدها برای منافع ملی ایران مناسب‌تر خواهد بود. در پاسخ بدین سوال می‌بایست در مرحله نخست تبیین دقیقی از منافع ایران در افغانستان داشته باشیم. به‌طور کلی، هر یک از کاندیدها، می‌توانند

برای ایران خطر یا فرصت تلقی شوند. این بستگی مستقیم به نوع نگاه دولت یازدهم به افغانستان پس از انتخابات ۱۳۹۳ دارد و به تبع آن منوط به سیاست دولت جدید افغانستان در قبال ایران و دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. همان‌گونه که ذکر آن رفت، روابط دو کشور در سال‌های اخیر در بستری از موضوعات بین‌المللی شکل گرفته است.

دولت ایران در گام نخست باید با توجه به زمینه‌های همکاری میان دو کشور به بسط و گسترش تعاملات دوجانبه بپردازد. ایجاد نظام تولیدی، توجه به زیرساخت‌ها، بهداشت، نظام آموزشی و... مباحثی هستند که در صحبت‌های هر سه کاندیدای ریاست جمهوری افغانستان به میان آمده‌اند. ایران می‌تواند با تکیه به تجربه همکاری با نیروهای افغان این مهم را عملیاتی سازد. محصور بودن افغانستان در خشکی و عدم دسترسی به آب‌های آزاد و در ادامه آن وابستگی به مرز پاکستان یکی از دغدغه‌های اصلی مقامات کابل است. فعال‌سازی دوباره مسیر چابهار - نیمروز می‌تواند این مهم را میسر سازد. راه ترانزیتی فوق‌الذکر با توجه به پیش‌بینی‌های صورت گرفته از سوی مقامات دو کشور توان تغذیه کامل نیازهای افغانستان را داراست و می‌تواند منافع اقتصادی و اجتماعی برای هر دو کشور را دربر داشته باشد.

افغانستان محمل توسعه و نیاز به رفاه ملموس است. ایران می‌تواند با تکیه به مفاهیم مندرج در **دیپلماسی عمومی** با پروژه‌های عمرانی، آموزشی، پزشکی و... حمایت‌های توده مردم و مسئولان افغان را نسبت به سیاست‌های خود افزایش دهد.



مردم افغانستان خسته از ۵۰ سال جنگ و جولان قدرتهای خارجی هستند؛ بدبینی نسبت به بیگانگان و خودی‌های وابسته در این کشور موج می‌زند. سرنوشت کمک‌های میلیون دلاری خارجی و ناامیدی مردم از خبر رسوایی مالی گواه دیگری بر این مدعاست. از این‌رو، ایران جدا از کمک‌های مالی، می‌بایست در چارچوب تفاهم‌نامه‌های دانشگاهی و شرکت‌های خصوصی زمینه تأثیر مثبت خود را در این کشور افزایش دهد.

به اذعان دفتر مقابله با جرائم مرتبط با مواد مخدر سازمان ملل در صورت عدم توجه و مبارزه دولت ایران با ترانزیت مواد مخدر با توجه به حجم تولید آن در افغانستان، بحرانی بین‌المللی به وقوع خواهد پیوست. مقابله با صدور مواد مخدر در مبدأ می‌تواند یکی از اهداف بلندمدت سیاست خارجی ایران در افغانستان باشد. به‌ویژه اینکه صدور این مواد از افغانستان هزینه‌های بلندمدتی برای ایران دارد و البته آثار مخرب آن برای سایر کشورها نیز توجهات به ایران را به‌عنوان بازیگر کلیدی در جلوگیری از صدور مواد مخدر افزایش داده است. ایران می‌تواند با عنایت به حساسیت کاندیداها روی مباحث تولیدی و نیز اشتغال‌زایی، از طریق به‌کارگیری صنایع و دانش کشاورزی خود برای جایگزینی کشت خشخاش و کمک به اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی افغان، مانع ورود حداقل بخشی از این جمعیت جوان به صف مرتبطان با ترانزیت مواد مخدر شود.

قرارداد امنیتی مسئله دیگری است که کاندیداها خود را ملزم به موضع‌گیری در قبال آن می‌دانستند. هر سه کاندیدای اصلی این انتخابات که پیش‌تر مورد توجه قرار

گرفتند، رسماً موافقت خود را با امضای این قرارداد اعلام داشته‌اند، اما آنان در ادامه به مشروط بودن دریافت کمک‌های بین‌المللی به امضای این قرارداد نیز اشاره کرده‌اند. این امر در شرایطی پیش روی مقامات افغان قرار گرفته است که تحلیل‌های ارائه شده از سوی نیروهای خارجی حاضر در افغانستان، نیروهای افغان را فاقد توان لازم برای مدیریت امنیت این کشور از یکسو و بودجه دولت را برای مدیریت کشور ناچیز دانسته‌اند. تحلیلی که تأثیر خود را بر گفتار کاندیدها گذاشته است. ترس از آغاز جنگ داخلی و گسترش فعالیت طالبان، هراسی است که ممکن است اعتماد به نیروهای داخلی را سلب کرده و زمینه دخالت‌های خارجی در افغانستان را بیشتر کند. از دیدگاه ایران، نیروهای طالبان مهره‌های بازیگران خارجی هستند در نتیجه امکان مدیریت آنها وجود دارد. در واقع کنترل نقش و نفوذ این گروه در افغانستان تا حد زیادی منوط به تغییر رفتار و سیاست برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است. از نظر ایران نیروهای افغان توان برقراری امنیت و مدیریت اوضاع کشورشان را دارند. حساسیت ایران بر سر حضور آمریکا در خاک افغانستان سبب شده است، تا رگه‌هایی از این توجه به ایران در قرارداد امنیتی لحاظ شود. در این قرارداد ذکر شده است که خاک افغانستان برای حمله و تهدید هیچ کشوری مورد استفاده قرار نخواهد گرفت، اما از دید دولت ایران ادامه حضور نیروهای خارجی در افغانستان به معنای اشغال آن است و این قرارداد به دلایل مختلف تنها زمینه قانونی برای ادامه حضور این نیروها را فراهم می‌کند و مشروط شدن ارسال کمک‌های بین‌المللی به امضای این قرارداد نیز گواه این مدعای ایران است. همراهی ایران می‌تواند انحصار دریافت



کمک‌های توسعه‌ای را بشکند. ایده «افغان‌سازی امنیت» در افغانستان که توسط اشرف غنی مطرح شده است، می‌تواند با حمایت بین‌المللی توسط رئیس‌جمهور بعدی به بوته آزمایش گذارده شود.

آغاز گفتگوهای پایدار میان افغانستان و پاکستان یکی از دغدغه‌های اصلی کاندیداهای ریاست‌جمهوری افغانستان است. اسلام‌آباد و کابل بجز مسئله طالبان موضوعات دیگری نیز پیش‌روی خود دارند. تهران با توجه به سابقه فرهنگی - تمدنی و نیز تجربه میانجیگری میان این دو، توان مدیریت اوضاع را داراست. اما به سبب درگیری دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مسئله افغانستان، تهران می‌تواند با تدبیر و توجه به حساسیت‌های بازیگران حلقه اتصال این گفتگوها قرار گیرد. بدبینی نسبت به پاکستان و عربستان در میان نیروهای افغان مانع شکل‌گیری گفتگوهای بنیادی برای حل موضوع تا به امروز شده است.

آنچه در سخنرانی‌های انتخاباتی هر سه کاندیدای اصلی در قبال ایران به چشم می‌خورد، تلاش آنها برای کاهش نگرانی ایران نسبت به قرارداد امنیتی با آمریکا از یکسو و تلاش برای بهبود روابط با ایران ازسوی دیگر است. دسترسی به آب‌های آزاد از طریق خاک کشورمان و بی‌نیاز شدن به پاکستان چشم‌انداز روشنی را می‌تواند پیش روی آنان قرار دهد. این مهم می‌تواند مطمحنظر مقامات ایرانی نیز قرار گیرد. مسئله مهاجرین، مواد مخدر و بلایای طبیعی از مواردی هستند که دو کشور به صورت مداوم با آنها دست به گریبان هستند.

توجه به امنیت، رفاه و تولید موضوعات اصلی پیش‌روی رئیس‌جمهور بعدی

افغانستان است. چشم‌پوشی از همسایه غربی که دارای مشترکات فرهنگی بسیاری با آن است و توان به گردش در آوردن چرخ‌های اقتصادی و نیز تأمین نیازهای بازار مصرف در افغانستان را داراست، محال است. در صورت پیروزی هر یک از دو کاندیدای اصلی زمینه برای همکاری دو کشور هموار خواهد بود، به نظر می‌رسد در صورت عدم کارشکنی نیروهای خارجی، کابل در مذاکرات با پاکستان از پتانسیل ایران بهره خواهد گرفت.

با توجه به روند موجود، پیشنهاد می‌شود تعقیب سیاست‌های بازگشت افغان‌ها به افغانستان با رویکردی متفاوت دنبال شود، چرا که با عنایت به حساسیت افکار عمومی در افغانستان این امر می‌تواند فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی ایران را در کوتاه و میان‌مدت تحت تأثیر خود قرار دهد و فضا را برای حضور دیگر بازیگران رقیب فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر با عنایت به تحولات افغانستان سعی در ارائه تحلیل در قبال آینده انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان و ترسیم شرایط حاکم بر آن داشت. از این رو، با تبیین شرایط حاکم بر افغانستان به چالش‌های پیش روی انتخابات پرداخت. عدم وجود آمار دقیق جمعیتی، ناامنی، سیستم انتخاباتی نامطمئن و... از جمله این چالش‌ها بودند. در مرحله بعد، با معرفی کاندیداهای اصلی، نظرات آنان در قبال سیاست داخلی، سیاست خارجی و توافقنامه امنیتی مورد توجه قرار گرفت. با توجه به شرایط



موجود در این کشور نقش دولت‌های خارجی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این میان آمریکا، ایران، پاکستان و عربستان مورد توجه این نوشتار قرار گرفتند. رئیس‌جمهور آینده افغانستان با عنایت به معلق ماندن بسیاری از موضوعات در زمان حامد کرزای رئیس‌جمهور فعلی، می‌تواند مطمح‌نظر بازیگران داخلی و منطقه‌ای واقع شود.

توجه به راه ترانزیتی نیمروز - چابهار و مشارکت در پروژه‌های عمرانی افغانستان می‌تواند سیاست ایران در این کشور را مانا و مثبت نگاه دارد و می‌توان گفت که به سبب مرحله حساسی که افغانستان درگیر آن است، ایران می‌باید بسیار حساب شده در قبال آن قدم بردارد. موضوع قرارداد امنیتی، ناسازگاری طالبان، ترسیم عینی منافع عربستان، ترس از تسری ناامنی از پاکستان به افغانستان و ایران همگی مؤلفه‌هایی هستند که سبب می‌شود دولت جدید ایران نگاه متفاوتی به همسایه شرقی‌اش داشته باشد. اینکه چه کسی رئیس‌جمهور افغانستان می‌شود، قطعاً مهم است؛ اما اینکه ایران در افغانستان چه چیزی را منفعت و چه چیزی را خطر تعریف می‌کند، اهمیت بیشتری دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بنگرید به:

<http://www.somdnews.com/article/20140219/NEWS/140219141/thomas-stone-graduate-killed-in-afghanistan&template=southernMaryland>

۲. برای مشاهده متن قرارداد امنیتی می‌توانید به تارنمای وزارت خارجه افغانستان مراجعه کنید؛ قابل دسترس در:

<http://mfa.gov.af/fa/news/bsa>

۳. برای مشاهده فعالیت این کمیسیون رجوع شود به پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی آن، قابل دسترس در:

<http://www.iec.org.af/fa>

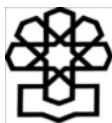
4. http://www.dailyafghanistan.com/editorial_detail.php?post_id=123375

۵. برای بررسی برنامه‌های انتخاباتی اشرف غنی، بنگرید به صفحه ستاد انتخاباتی وی در شبکه‌های اجتماعی.

۶. برای بررسی برنامه‌های انتخاباتی عبدالله عبدالله، بنگرید به صفحه ستاد انتخاباتی وی در شبکه‌های اجتماعی.

۷. برای بررسی برنامه‌های انتخاباتی زلمی رسول، بنگرید به صفحه ستاد انتخاباتی وی در شبکه‌های اجتماعی.

8. Greg Bruno, **Saudi Arabia and The Future Of Afghanistan**. Available at: www.cfr.org/afghaniaran/saudi-arabia-future-afghanistan/p17964



شماره مسلسل: ۱۳۶۱۱

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و الزامات فراروی ایران

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: سمیه مروتی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. افغانستان

۲. ایران

۳. عبدا... عبدا...

۴. اشرف غنی

۵. پاکستان

۶. آمریکا

۷. عربستان



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۲/۳